

شفاعت

قیامت

ابراهیم چراغی



کسی هستم و به سوی دارالرحمن که بهشت عدن است، و وسعت آن بقدر فاصله مشرق تا مغرب است می آید؛ و یکی از حلقه های در آن را حرکت می دهد. در حالی که خداوند داناست که به رسولش گفته می شود: این چه کسی است؟ رسول الله می گوید: منم. گفته می شود در راه باز کنید! در راه باز می کنند. و شیطانی دیگر می ایستد؛ و هر که در این دنیا از او پیروی می کرده است، به دنبال اوست.

و پس از آن شیطان سوم می ایستد، و هر که در این دنیا از او پیروی می کرده است، به دنبال او می رود. و سپس معاویه می ایستد، و به دنبال او پیروان و متابعان او می روند.

و علی بن ابیطالب می ایستد، و به دنبال او موالیان و پیروان او می روند.

و حسن می ایستد، و به دنبال او پیروان او می روند. و حسین می ایستد، و به دنبال او پیروان او می روند. و سپس مروان بن حکم می ایستد، و عبدالملک بن مروان می ایستد؛ و به دنبال آن دو نفر، پیروانشان می روند.

و پس از آن علی بن الحسین می ایستد، و به دنبال او پیروان او می روند. سپس ولید بن عبدالملک می ایستد، و به دنبال او پیروان او می روند. و محمد بن علی می ایستد، و به دنبال او پیروان او می روند. و پس از آن من می ایستم، و به دنبال او پیروان من می روند. و گویا چنین می بینم که شما دو نفر (خیمه جعفری و مفضل بن عمر جعفری) با من هستید!

و پس از آن ما را می آورند؛ و پروردگار ما بر عرشی قرار می گیرند و نامه های اعمال ما را می آورند؛ و ما بدان ها مراجعه می کنیم؛ و ما بر علیه دشمنانمان شهادت می دهیم، و برای شیعیان مرهق خود شفاعت می نماییم!

عرض کردم: فدایت شوم! منظور شما از شیعیان مرهق چه کسانی هستند؟

حضرت فرمودند: شیعیان گناه کار؛ اما آن افراد از شیعیانی که تقوی پیشه ساخته اند آنان را به نجات و رستگاری خودشان، نجات می دهند، و هیچ گونه پدی و ملالی بدان ها مس نمی کند. (۱)

دلالت می کنم بر فرزند صدیق خودم که در میان قوم نهصد و پنجاه سال درنگ کرد، و آنها را دعوت می نمود، و هر چه او را تکذیب می کردند، تصدیقش به خدای متعال بیشتر می شد و آن نوح است.

خلائق به نزد نوح می آیند و می گویند: از پروردگارت بخواه گرچه به سوی آتش حکم ما را صادر کند! نوح می گوید: من چنین کسی نیستم! من همان کسی هستم که گفتم: پسر من از اهل من است، ولیکن شما را رهبری می کنم به سوی کسی که خداوند او را در دنیا خلیل خود گردانید! به نزد ابراهیم بروید! خلائق به

نزد ابراهیم می روند، او می گوید: من چنین کسی نیستم! من همان کسی هستم که گفتم: من مریض هستم؛ ولیکن شما را راهنمایی می کنم بر کسی که خداوند با او سخن گفت و او موسی است.

خلائق به نزد موسی می آیند و او به آنها می گوید: من چنین کسی نیستم، من کسی را کشته ام! ولیکن من شما را دلالت می نمایم بر کسی که به اذن خدا جان می آفرید؛ و کور مادر زاد، و مبتلا به مرض پیسی را به اذن خدا شفا می بخشید، و او عیسی است.

خلائق به نزد عیسی می روند، و او نیز می گوید: من چنین کسی نیستم ولیکن شما را رهبری می کنم بر آن کسی که شما را در دنیا به مقدم او بشارت دادم و او احمَد است.

مردم به نزد رسول خدا می آیند و می گویند: یا محمد از پروردگارت بخواه، که اگر شده ما را به آتش بفرستد، حکم ما را بنماید؟ رسول الله می گوید: آری من چنین

در «تفسیر عیاشی» در ذیل آیه «عسی أن یبعثک ربک مقاماً محموداً» از خیمه جعفری روایت کرده است که او گفت: من و مفضل بن عمر شبی را در خدمت حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام بودیم، و غیر از ما کسی نبود.

مفضل جعفری گفت: فدایت شوم، برای ما نقل کن که ما بدان شاد گردیم!

حضرت فرمود: آری! چون روز قیامت شود، خداوند خلائق را در زمین همواری محشور کند، که جملگی پا برهنه و عریان و ختنه نکرده هستند. مفضل گفت:

فدایت شوم، مراد از (غیر مختون) چیست؟!

حضرت فرمود: همچنان که در ابتدا آفرینشان خلقت شده اند، و در آن بیابان هموار همگی وقوفشان بقدری با طول می انجامد، که از کثرت عرق کردن، عرق آنها تا گردن و دهانش را فرا می گیرد، و چون لجام، مانع از سخن گفتنشان می شود؛ و می گویند: ای کاش خداوند به حساب ما رسیدگی می کرد و زودتر حکم ما را صادر می نمود، گر چه به سوی آتش باشد، چون از شدت آن حالی که دارند آتش را برای خود راحتی می بینند.

در این هنگام به نزد آدم می آیند، و می گویند: تو پدر ما هستی! و تو پیغمبر خدائی! از پروردگارت بخواه که چه به سوی آتش باشد حکم ما را بنماید!

آدم می گوید: من چنین کسی نیستم! چون پروردگار من مرا به دست خود آفرید، و بر عرش خود جای داد، و فرشتگان را به سجده من در آورد؛ و سپس به من امری نمود و من آن را عصیان کردم! ولیکن من شما را

